



شرح جامع و نمونه سوالات

ترجمه عربی به فارسی و بالعکس

«زبان عربی»

مؤلف: لقمان رستم‌جو



پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که در حوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس (منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست‌نیافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می‌شدند، که خدش‌های بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه آزمون‌های سراسری - آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رنجه کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی‌نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشر

www.arshadbook.ir

به نام خدایی که در همین نزدیکی است.

پیشگفتار مؤلف

کتاب حاضر شامل مجموعه سؤالات ۲۱ سال اخیر آزمون‌های سراسری (۷۷ تا ۸۹) و دانشگاه آزاد (۸۰ تا ۸۷) کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی در زمینه «ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس» می‌باشد. در این کتاب دو هدف در اولویت بوده است:

- ۱- صرفه‌جویی در وقت خواننده: به صورتی که خوانندگان و داوطلبان گرامی از مراجعه به فرهنگ‌های لغت جهت یافتن معنی واژه‌ها بی‌نیاز باشند.
- ۲- پاسخ‌های واقعاً تشریحی برای هر سؤال: در تمامی آزمون‌های سراسری برای هر گزینه و در سؤالات دانشگاه آزاد در حد ضرورت.

لذا در هر سؤال واژگان داده شده، در حد نیاز- و بلکه بیشتر- در پاسخ تشریحی ذکر شده است.

شیوه پاسخگویی به سؤالات چنین است که پاسخ هر سؤال شامل چند بخش می‌باشد:

ابتدا شماره گزینه صحیح هر سؤال، سپس ترجمه واژگان سؤال- در این بخش علاوه بر واژگان سؤال، کلماتی که در ارتباط با آن بوده‌اند نیز ذکر شده است، پس از آن دلایل درستی و نادرستی گزینه‌ها، (در برخی پاسخ‌ها به تمامی اشتباهات گزینه‌ها اشاره نشده است و غالباً اشتباهاتی که همراه با نکته مهمی هستند ذکر شده است) و در آخر معنی واژه(های) گزینه‌ها که به نظر مفید و مهم می‌رسیدند، آمده است.

در پایان از کلیه دوستان و صاحب‌نظران که در راستای هر چه بهتر شدن و رفع نقایض و اشتباهات سهوی، نظر، پیشنهاد و یا هر نکته‌ای دیگر را که مفید فایده می‌دانند، خواهشمندم دریغ نکرده و مطرح بفرمایند.

«شاد و کامروا باشید»

رستم‌جو

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار ناشر.....	۳
پیشگفتار مؤلف.....	۴

فصل اول

ترجمه؛ هنر کارگیری مهارتها.....	۱۱
نگرش اشرافی در متن.....	۱۴
نویسنده‌پنداری خود (مترجم).....	۱۴
خواننده‌پنداری خود (مترجم).....	۱۴

فصل دوم

ساختارها و اسالیب عربی و فارسی و معادل های آنها.....	۲۱
--	----

فصل سوم

زمان‌ها.....	۳۸
۱- ماضی.....	۳۸
۲- مضارع.....	۴۰
۳- مستقبل.....	۴۱
فعل در بابهای مزید.....	۴۲
واژگاہ دخیل.....	۴۳

فصل چهارم

فعل به همراه حرف اضافه.....	۵۱
جملات پایه و پیرو.....	۵۳
کلمه در کلام.....	۶۹

مجموعه آزمون‌های سراسری و آزاد

عنوان.....	صفحه
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۷.....	۷۹
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۷.....	۸۸
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۸.....	۹۳
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۸.....	۱۰۰
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۹.....	۱۰۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۷۹.....	۱۱۳
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۰.....	۱۱۸
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۰.....	۱۲۶
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۱.....	۱۳۱
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۱.....	۱۳۸
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۲.....	۱۴۳
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۲.....	۱۵۱
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۳.....	۱۵۶
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۳.....	۱۶۳
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۴.....	۱۶۸
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۴.....	۱۷۶
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۵.....	۱۸۱
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۵.....	۱۸۹
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۶.....	۱۹۴
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۶.....	۲۰۱
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۷.....	۲۰۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۷.....	۲۱۳
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۸.....	۲۱۷
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۸.....	۲۲۴
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۹.....	۲۲۸
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۸۹.....	۲۳۵
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۰.....	۲۴۱
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۰.....	۲۴۷
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۱.....	۲۴۸
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۱.....	۲۵۴

سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۲.....	۲۵۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس سراسری سال ۱۳۹۲.....	۲۶۱
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۰.....	۲۶۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۰.....	۲۶۸
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۱.....	۲۷۰
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۱.....	۲۷۳
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۲.....	۲۷۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۲.....	۲۷۸
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۳.....	۲۸۰
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۳.....	۲۸۳
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۴.....	۲۸۶
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۴.....	۲۸۹
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۵.....	۲۹۱
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۵.....	۲۹۵
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۶.....	۲۹۷
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۶.....	۳۰۰
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۷.....	۳۰۲
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۷.....	۳۰۵
پاسخنامه ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۸۹.....	۳۰۷
سؤالات ترجمه عربی به فارسی و بالعکس آزاد سال ۱۳۹۰.....	۳۱۰

واژگان

واژگان آزمون سراسری (عربی به فارسی).....	۳۱۵
سراسری سال ۱۳۷۷ (عربی به فارسی).....	۳۱۵
سراسری سال ۱۳۷۸ (عربی به فارسی).....	۳۱۶
سراسری سال ۱۳۷۹ (عربی به فارسی).....	۳۱۷
سراسری سال ۱۳۸۰ (عربی به فارسی).....	۳۱۸
سراسری سال ۱۳۸۱ (عربی به فارسی).....	۳۱۹
سراسری سال ۱۳۸۲ (عربی به فارسی).....	۳۲۱
سراسری سال ۱۳۸۳ (عربی به فارسی).....	۳۲۲
سراسری سال ۱۳۸۴ (عربی به فارسی).....	۳۲۳
سراسری سال ۱۳۸۵ (عربی به فارسی).....	۳۲۴
سراسری سال ۱۳۸۶ (عربی به فارسی).....	۳۲۴
سراسری سال ۱۳۸۷ (عربی به فارسی).....	۳۲۵
واژگان آزمون سراسری (فارسی به عربی).....	۳۲۷

۳۲۷.....	سراسری سال ۱۳۷۷ (فارسی به عربی).....
۳۲۷.....	سراسری سال ۱۳۷۸ (فارسی به عربی).....
۳۲۸.....	سراسری سال ۱۳۷۹ (فارسی به عربی).....
۳۲۹.....	سراسری سال ۱۳۸۰ (فارسی به عربی).....
۳۲۹.....	سراسری سال ۱۳۸۱ (فارسی به عربی).....
۳۲۹.....	سراسری سال ۱۳۸۲ (فارسی به عربی).....
۳۲۹.....	سراسری سال ۱۳۸۳ (فارسی به عربی).....
۳۳۲.....	سراسری سال ۱۳۸۴ (فارسی به عربی).....
۳۳۲.....	سراسری سال ۱۳۸۵ (فارسی به عربی).....
۳۳۳.....	سراسری سال ۱۳۸۶ (فارسی به عربی).....
۳۳۳.....	سراسری سال ۱۳۸۷ (فارسی به عربی).....
۳۳۵.....	واژگان آزمون آزاد (عربی به فارسی).....
۳۳۵.....	آزاد سال ۱۳۸۰ (عربی به فارسی).....
۳۳۵.....	آزاد سال ۱۳۸۱ (عربی به فارسی).....
۳۳۵.....	آزاد سال ۱۳۸۲ (عربی به فارسی).....
۳۳۶.....	آزاد سال ۱۳۸۳ (عربی به فارسی).....
۳۳۶.....	آزاد سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ (عربی به فارسی).....
۳۳۷.....	آزاد سال ۱۳۸۷ (عربی به فارسی).....
۳۳۸.....	واژگان آزمون آزاد (فارسی به عربی).....
۳۳۸.....	آزاد سال ۱۳۸۰ (فارسی به عربی).....
۳۳۸.....	آزاد سال ۱۳۸۱ (فارسی به عربی).....
۳۳۹.....	آزاد سال ۱۳۸۲ (فارسی به عربی).....
۳۳۹.....	آزاد سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ (فارسی به عربی).....
۳۳۹.....	آزاد سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ (فارسی به عربی).....
۳۴۰.....	آزاد سال ۱۳۸۷ (فارسی به عربی).....
۳۴۱.....	واژگان تکمیلی.....

فصل اول

ترجمه؛ هنر کارگیری مهارتها

عناوین اصلی

◀ نگرش اشرافی بر متن

◀ نویسنده‌پنداری

◀ فوآننده‌پنداری

فصل اول

ترجمه؛ هنر کارگیری مهارتها

«ترجمه» را کلمه ای عربی دانسته‌اند بر وزن «فعلل» و عده ای دیگر از مصدر «رجم» و ... از ریشه و مباحث لغوی این کلمه بگذریم و به ماهیت آن بپردازیم.

ساده‌ترین تعریف برای ترجمه را می‌توان این تعریف دانست: «برگرداندن متنی از یک زبان به زبان دیگر». زبان اصلی را زبان «مبدأ» و زبان موردنظر که ترجمه به آن زبان صورت می‌گیرد «زبان مقصد» می‌نامند. گویی ترجمه پیغامی است، نامه ای از کسی به عنوان گوینده که با زبانش ناآشنا- یا حداقل غیرمسلط- هستیم و برای درک صحیح گفته هایش از ترجمه و مترجم مدد می‌جوییم.

حال می‌خواهیم بدانیم یک ترجمه خوب، یک مترجم که مورد پسند همگان است، کیست؟ چه ویژگی (هایی) دارد؟ چگونه ترجمه می‌کند؟ و

گفتیم ترجمه مانند یک پیغام و نامه است و مترجم همانند پیغام رسان. پس مهمترین خصلت یک پیغام‌رسان امانتداری اوست. اینکه پیغام‌رسان در متن گوینده خیانت نکند، اینکه متن را آنچنان که به او تحویل داده‌اند به مقصد برساند از خصوصیات بایسته پیغام رسان (مترجم) است. اما نه به این معنی که حق دخل و تصرف ندارد، خیر. این جمله به معنی پابندی تام و کامل به سخن گوینده و مایسمع او نیست. بلکه انتقال درست و کامل متن ویژگی امانتداری او را می‌رساند، نه اینکه مو به مو، واو به واو شنیده و دیده را بی هیچ در نظر گرفتن مخاطب تبدیل کند و مانند یک ماشین به ترجمه بپردازد. تفاوت مترجم انسانی با ماشینی در همین است که به خود اجازه می‌دهد در حد معقول دخل و تصرف کند تا به ایفای نقش بپردازد.

آری افزودن و کاستن متن و سخن تا حد معقول علمی از سوی مترجم نه تنها هیچ خدشه ای بر کار و چهره او وارد نمی‌کند بلکه از پایه های ثابت و ایجابی هنر اوست. اگر باور داشته باشیم که ترجمه کار نیست، «فن» به معنای حرفه نیست بلکه یک هنر است، به هنرمندی مترجم نیز ایمان خواهیم آورد. اینکه فکر و اندیشه کسی را با حفظ دقایق و ظرایفش به زبانی دیگر به کسانی که در محیطی متفاوت از منشا آن فکر زیسته اند، انتقال دهند خود هنری است قابل ستایش، هنری در خور توجه.

ترجمه یک هنر است، هنر بکارگیری مهارت‌هایی که مترجم می‌خواند و می‌آموزد. هنر استفاده از هر مهارت در مکان خود، هنر خواندن، هنر دیدن و بالاخره هنر نوشتن. این سه هنر در کنار یک، تمثالی می‌آفرینند که ترجمه نامیده می‌شود. تمثالی به دست مترجم نقش می‌خورد و جلوی چشم مخاطبش پرده از آن برمی‌دارد.

دومین ویژگی یک مترجم - و به نوعی هنرمند تبدیل گر افکار - تسلط اوست بر موضوع و صد البته بر زبان؛ خواه زبان مقصد و خواه زبان مبدأ. دست به کار ترجمه زدن بی آنکه به دستور زبان و گرامر دو زبان مقصد و مبدأ اشراف لازم در نزد مترجم باشد، کاری بس اشتباه و نارواست. پیش از آنکه به معادل یابی و واژه گزینی کلمات بپردازد باید بداند کلمه ای را که می‌خواهد ترجمه کند چیست؟ در کلام چه نقشی را ایفا می‌کند؟ آیا لازم است ترجمه شود یا نه؟ این کلمه در دستور زبان مقصد چه اندازه مهم و سازنده است؟ و نکاتی از این قبیل که آشنایی مترجم را بیش از پیش می‌طلبد.

بنابراین پیش از آنکه به کار ترجمه و فراگیری آن بپردازید، دستور زبان خود را تقویت کنید نه تنها در زبان مبدأ بلکه در زبان مقصد نیز این قوه و تسلط لازم و بایسته است. با فراگیری دستور زبان و قواعد نگارش دومین گام مترجم شدن - پس از حس وظیفه و امانتداری به متن و گوینده - را برداشته اید.

حال به متن می‌رسیم. باید توجه کنید متنی را که برای ترجمه انتخاب کرده اید - یا به شما داده اند - در درجه اول به آن علاقمند هستید؟ به چه میزان موضوع و محتوای آن با سلیقه و علایق شما متناسب است؟

اینجاست که تسلط شما - در مواردی که حق انتخاب ندارید مانند امتحانات و ... - بر موضوعات مختلف کارآیی پیدا می‌کند و می‌تواند مفید واقع شود. چنانچه شما با خواندن هر نوع متن که در دسترستان باشد و برایتان امکان فراهم آوردن متون با موضوعات مختلف باشد در این نوع شرایط می‌توانید بهترین ترجمه - و موفقیت آزمونی - را داشته باشید.

پس همواره بخوانید، هرچه را از زبان بیگانه یتان فراهم شد بخوانید، اعم از روزنامه، مجله، کتاب، حتی کانالهای تلویزیونی می‌تواند برایتان مفید باشد چراکه به شما کلمه جدید می‌دهد، شما را با یک موضوع جدید و یکسری دایره واژگان که تا چندی قبل با آنها ناآشنا و بیگانه بودید، آشنا می‌کند پس همواره بخوانید!

تاکنون گفتیم که با حفظ امانتداری و آموختن واژگان مختلف در موضوعات متنوع بر متن های مختلف مشرف شوید. شما اینک تمامی شرایط تئوریک مترجم شدن را دارا هستید اما یک قدم تا مترجم شدن مانده است و آن خوب نوشتن است. دایره واژگان وسیع با تسلط بر متون مختلف چه فایده ای برای شما خواهد داشت اگر جرات نوشتن نداشته باشید؟! چه سودی برای شما خواهد داشت اگر دستهایتان به قلم آشنا نیست؟ اگر دستها و ذهنتان اسیر نوعی هراس از کاغذ و قلم است؟!!

آری هنر خوب نوشتن و خوب بیان کردن یافته هایتان چیزی است که مخاطب شما می‌بیند. خواننده، متن ترجمه شده شما را می‌بیند نه خود شما را که بر اساس آن قضاوت کند؛ پس همواره بنویسید، آنچه را به ذهنتان خطور می‌کند بنویسید. به ترجمه ای که در ذهن انجام می‌دهید اعتماد نکنید، به خود جرات بدهید و آنرا از قفس ذهن پرواز دهید.

نوشتن، اولین و مهمترین گام عملی برای ترجمه است. بدون نوشتن هیچکس از آنچه در ذهن دارد آگاه نیست حتی خود شما تا زمانیکه بر روی کاغذ کلمات و اصطلاحات را نیاورید و با آنها بازی نکنید نخواهید فهمید تا چه اندازه آنرا فهمیده اید؟ چه اندازه درک درست از مطلب دارید؟ پس همواره بنویسید.

آموختیم که:

- حفظ امانت و امانتداری شرط اول ترجمه است.
- ترجمه، هنر به کار گرفتن مهارتهاست.
- امانتداری به معنای پایبندی بی قید و شرط به متن و کلام نیست.
- تسلط بر دستور زبان مقصد و مبدأ را نباید فراموش کرد.
- بدون تسلط لازم بر دستور زبان به سوی متن نرویم.
- متن مورد علاقه خود را انتخاب کنیم.
- همواره از هر متن با هر موضوعی بخوانید و از کلمات آن بیاموزید.
- بیاموزیم که خوب بنویسیم.
- جرأت خوب نوشتن را به خود بدهیم.

قدر مسلم تمامی این مراحل مشکل بودن آنهاست که با گام اول یعنی خواستن و نوشتن آن را طی کرده‌اید. نوشتن و خط زدن ممکن است بارها و بارها تکرار شود و دستانتان را خسته کند، اما ذهن شما را نباید از لذت پایانی خواندن متن خود که به دست خود نوشته اید خسته کند. این را به یاد داشته باشید شما با ترجمه کردن، یک اثر تازه خلق می‌کنید. شما خالق یک اثر جدید- هرچند با موضوع تکراری و گفته شده- با زبان جدیدی هستید. آنچه شما می‌نویسید تاکنون نوشته نشده است. اگر این را به یاد داشته باشید، همواره از ترجمه کردن لذت می‌برید هرچند خسته شوید.

برای خوب نوشتن چه باید کرد؟ چگونه می‌توان خوب نوشت؟ هنر خوب نوشتن را چگونه می‌توان آموخت؟ این سوالات، از سوالاتی است که هم اکنون در ذهن شماست که به جاست و پاسخی باید برای آن باشد.

برای خوب نوشتن چند چیز لازم است:

- نگرش اشرافی بر متن مبدأ؛
- نویسنده پنداری خود (مترجم)؛
- خواننده پنداری خود (مترجم).

اما این اصطلاحات به چه معنی است؟ چگونه بر متن نگاه اشرافی داشته باشیم؟ چگونه هم مترجم باشیم، هم نویسنده متن اصلی و هم خواننده ترجمه؟

نگرش اشرافی در متن

این اصل که اصل اول خوب نوشتن است به این معنی است که غرق کلمات متن نشویم. آری رفتن در بحر کلمات متن و مشغول کردن ذهن خود به یافتن معنای آنها اشتباه و مانع اصلی است که بر سر راه خوب نوشتن است. هرگز از روبرو به متن و جملات آن نگاه نکنید. این کار مغز و چشمان شما را محدود می‌کند. اگر به دنبال یافتن معنای تک تک کلمات و جمله به جمله متن باشید عین این کار را انجام داده اید پس از بالا به متن بنگرید. متن را به صورت کلیتی یکپارچه مجسم کنید که بر فراز آن قرار دارید و بر آن مشرف هستید. سعی کنید کل متن را بفهمید، هدف کلی نویسنده (یا گوینده) را بیابید و آن را همواره در نظر داشته باشید.

با این کار شما هستید که بر متن اشراف دارید نه متن بر شما.

پس «نگرش اشرافی بر متن» به معنی درک کلی مراد نویسنده است. ذهن شما که در پس یافتن معنای تک تک واژه هاست در واقع اسیر آنهاست، شما باید آنرا در درجه اول به دنبال یافتن مفهوم کلی متن و محتوا مرسول کنید.

نویسنده‌پنداری خود (مترجم)

اصل دوم خوب نوشتن این است که خود را به عنوان مترجم، نویسنده متنی^۱ فرض کنیم که پیش رویمان است. چنین بیندازیم که نه مترجم بلکه نویسنده متن هستیم که بر هر دو زبان اشراف و تسلط کامل دارد و اینک می‌خواهد آنچه را که به زبان مبدا نوشته است به زبان دیگری برگرداند و عین مطالب گفته شده را با زبان دیگری که بر آن تسلط دارد بیان کند. اینجاست که تسلط دستوری شما خود را نشان می‌دهد و مهم می‌نماید. با نویسنده انگاری خود، شما می‌توانید دقایق و ظرایف متن را کاملاً ببینید، یعنی تمامی آنچه را که تا پیش از اینکه مترجم - نویسنده باشید نمی‌توانستید ببینید. چراکه دیوار صرف مترجم بودن شما مانع گسترده دیدنتان بوده و نمی‌توانستید آنچه بر متن ارزش بیانی - علمی می‌دهد ببینید. شما از این منظر به عنوان نویسنده متن - اگر به درستی و کامل این مرحله را انجام دهید - جای هیچ خرده گیری نقادان و خوانندگان را نخواهید گذاشت.

پس «چنین گمان کنید که نویسنده متن هستید و می‌خواهید به زبان خود، متن پیش رویتان را بیان کنید».

خواننده‌پنداری خود (مترجم)

آخرین گام برای «خوب نوشتن» این است که خود را خواننده یا مخاطب ترجمه قلمداد کنیم. آنچه را که شما از متن دریافته اید و از نگرش خود به آن به عنوان نویسنده - مترجم بدست آورده اید با خودپنداریتان به عنوان خواننده از

۱- توجه داشته باشید استفاده از کلمه «متن» به اقتضای کاربرد کتاب است که بیشتر برای آزمونها و سوالات ترجمه نوشته شده است و در مورد ترجمه شفاهی یا همزمان شرایط و مقتضای مترجم متفاوت است.

آخرین صافی خواهد گذشت و ترجمه شما را کامل و دقیق خواهد کرد. اما مدت زمان لازم برای این کار چقدر است؟ چه زمانی میان نویسنده انگاری و خواننده پنداری خود فاصله بیندازیم؟

برای این کار حداقل ۲-۳ روز پیشنهاد می‌شود که کاملاً از فضای متن و کلمات آن بر ذهن و فکر شما سایه انداخته اند، تا حدودی فاصله بگیرید و بتوانید تا حد زیادی به عنوان کسی که متن را برای بار اول می‌بیند و می‌خواند به نقد و بررسی ترجمه خود بپردازید. بهتر است در این فاصله به کار دیگری، پرداختن به متن دیگری مشغول شوید که ذهن کاملاً از فضای ترجمه اولیتان فاصله بگیرد و شما نیز قدرت دیدن دقیق و داوری شایسته و بایسته را پیدا کنید.

پس «برای چند روز از متن ترجمه شده فاصله بگیرید و آنرا رها کنید سپس به عنوان کسی که آن را برای بار اول می‌خواند، مطالعه کرده و به بررسی بی طرفانه آن همزمان با مقایسه ترجمه خود با متن اصلی بپردازید». مقایسه کنید:

- تا چه حد امانتدار بودید؟
- چه مقدار توانسته اید متن اصلی را بفهمید؟
- چقدر از متن و مطالب اصلی را بیان کرده اید؟
- آیا توانسته اید نویسنده متن مبدا خوبی باشید، یعنی توانسته اید خود را به خوبی نویسنده متن به زبان مبدا فرض کنید؟

و مهمتر از هر چیز در این مرحله:

- ترجمه شما تا چه اندازه شبیه یک ترجمه است؟

پاسخ تمام سوالات جز سوال آخر باید به بالاترین نمره ممکن باشد. اما آخرین سوال باید به کمترین میزان ممکن باشد. زیرا شما مترجم هستید و همانطور که گفتیم باید اثری نو بیافرینید، باید خود را نویسنده فرض کنید نه مترجم؛ پس اثر شما نباید رنگ و بوی ترجمه داشته باشد.

این است یک ترجمه خوب و مترجم ایده آل که با حفظ امانت، هنرمندی کامل و چند شخصیت پنداری خود اثری جدید بیافریند. ولی در پایان این بحث به شما داوطلبان خواندن متون مطبوعاتی عربی را توصیه کرده و البته در کنار آن متون مطبوعاتی - سیاسی فارسی که بتوانید بر دو زبان اشراف یکسان و کافی داشته باشید. از آن جهت بر متون سیاسی تأکید می‌شود که این متون و سوالات در زمینه سیاست و تحولات سیاسی - روز در جهان - بیشتر مورد نظر طراحان سوال است. البته نباید چنین پنداشت که تنها سوالات در زمینه سیاست است بلکه جملات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز همواره مورد تأکید بوده و در این زمینه‌ها نیز به کرات سوال داده شده است.

آنچه گذشت سخن درباره اصول و مبادی نظری و راه کارهای عملی برای دستیابی به این اصول بود. حال به مباحثی دیگر از جمله بررسی جملات و ساختارهای رایج در دو زبان می‌پردازیم.

خلاصه فصل

ترجمه به «برگرداندن متن یا کلام از یک زبان به زبان دیگر» گفته می‌شود. زبان اصلی متن یا گفتار را «زبان مبدأ» و زبانی که مترجم، متن یا کلام را به آن تبدیل می‌نماید، «زبان مقصد» می‌نامند.

ویژگی امانتداری مترجم به معنای انتقال درست و کامل کلام یافتن است که میزان مهارت او را بیان می‌کند. مترجم باید پیش از ترجمه بر موضوع مورد ترجمه - زبان مقصد و مبدأ تسلط کافی داشته باشد. ضرورت این تسلط در مورد زبان مقصد، بیشتر احساس می‌شود.

برای ترجمه‌ی خوب، باید همواره ترجمه را نوشت، نه اینکه ذهنی ترجمه کرد، به عبارت دیگر «نوشتن» اولین قدم ترجمه است که جرات و جسارت ترجمه را به مترجم می‌دهد. اما آنچه برای خوب نوشتن لازم است، عبارت است از:

- نگرش اشرافی بر متن

- نویسنده پنداری مترجم

- خواننده پنداری مترجم

تست‌های آخر فصل

۱- در ترجمه‌ی یک متن از عربی به فارسی، زبان مبدا و مقصد، به ترتیب کدام‌اند؟

- (۱) فارسی - عربی (۲) عرب - فارسی (۳) عربی - عربی (۴) فارسی - فارسی

۲- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) تسلط بر زبان مقصد مهم از تسلط بر زبان مبدا است
 (۲) آشنایی با موضوع متن مهم‌ترین مسئله است
 (۳) تسلط بر زبان مبدا از تسلط بر زبان مقصد مهم‌تر است
 (۴) زبان مبدا، زبانی است که متن را به آن ترجمه می‌کنند.

۳- اولین اقدام عملی برای ترجمه عملی چیست؟

- (۱) ترجمه‌ی ذهنی (۲) نوشتن ترجمه (۳) تصحیح متن (۴) ویرایش نهایی

۴- اصل اول «خوب نوشتن» کدام است؟

- (۱) نویسنده پنداری (۲) خواننده پنداری (۳) ویرایش متن (۴) نگرش اشرافی

۵- این جمله به کدام گزینه مرتبط است: «چنین پندارید که نویسنده‌ی متن هستید نه مترجم آن»

- (۱) نویسنده پنداری (۲) خواننده پنداری (۳) نگرش اشرافی (۴) ترجمه‌ی ذهنی

پاسخ تست‌های آخر فصل

۱- گزینه «۲»

۲- گزینه «۱»

۳- گزینه «۲»

۴- گزینه «۲»

۵- گزینه «۱»

فصل دوم

ساختارها و اسالیب عربی و فارسی و معادل های آنها

فصل دوم

ساختارها و اسالیب عربی و فارسی و معادل های آنها

• به نظر می‌رسد: يبدو أن؛ يتراءى

- وی در ادامه سخنانش افزود: آنچه در غرب جهانی شدن فرهنگ خوانده می‌شود ادغام شدن فرهنگ های اصیل و ریشه دار است که به تدریج اثری از آنها باقی نماند.

و اضاف قائلأ: يبدو ان ما يسمى بعولمة الثقافة عند الغربيين هي اندماج الثقافات العريقة و ذوات الجذور العريقة التي لم يبق منها على التدریج.

- به نظر می‌رسد دستگاههای کشور آمادگی حذف تشریفات اداری را دارند: يبدو أن أجهزة البلاد مستعدة لأزالة الروتين الإداری.

- سئل منه: ما الهدف المؤامرات الاخيرة؟ اجاب: لدينا هذه المؤامرات انتهت بالفشل و يتراءى العدولن يقبل هذه الحقيقة المرة.

از او پرسیده شد: توطئه های اخیر به چه منظور بود؟ پاسخ داد: در نزد ما این توطئه ها با شکست مواجه شده ولی به نظر می‌رسد دشمن این واقعیت تلخ را نمی پذیرد.

• همین که، به محض اینکه

برای بیان اصطلاح «به محض اینکه» در عربی دو شیوه رایج است:

۱- ما إن+ فعل ماضی + حتی + جمله

- ما أن وصلتُ إلى بيت جدی حتى رأيت سيارة الاسعاف ازاء بيته و فهمت أنه أصيب بالنوبة القلبية.

همین که به خانه پدر بزرگم رسیدم آمبولانس را جلوی در خانه اش دیدم و فهمیدم که دچار سکته قلبی شده است.

- قال شهود العيان: ما أن ركب سيارته حتى انفجرت هذا و اعلن البوليس أنه تعرض لمحاولة الاغتيال و قتل من قبل.

شاهدان عینی گفتند: به محض اینکه سوار ماشینش شد، ماشین منفجر شد این در حالی است که پلیس اعلام کرده که او در معرض سوء قصد قرار گرفته و پیش از آن کشته شده بود.

شیوه دیگر بیان این اسلوب چنین است:

۲- لم + یکاد (که مجزوم بوده و با فاعل جمله مطابق است) + حتی + فعل

- لم یکد انتھت کلام رئیس الجمهورية حتی نهض أحد الحاضرين و الذی قدم نفسه بانه عامل متقاعد فوجه انتقاداً لوضع القانونی و المالی للمتقاعدين فطلب عناية اكثر للمتقاعدين خاصة العمال منهم.

به محض اینکه سخترانی رئیس جمهور تمام شد یکی از حاضرین که خود را کارگری بازنشسته اعلام کرد از میان حاضران بلند شد و انتقاداتی درباره شرایط قانونی و مالی بازنشستگان کرد و خواستار توجه بیشتر به بازنشستگان بویژه کارگران شد.

- لم یکد المعرض الدولي للكتاب يفتتح حتى يقبل الناس عليه: به محض اینکه نمایشگاه بین المللی کتاب افتتاح شد مردم از آن استقبال کردند.

• اظهار نگرانی (خوشحالی، خرسندی، امیدواری، ...) کرد = اعرب + فاعل + عَنْ + قلقه (اریتاحه، امله، ...)

- اعرب سماحته عن أمله فی أن یکون ابناء معاقی الحرب عبر بناء الذات معنوياً و علمياً و جسدیاً رجالاً اکفاء للایران الاسلامیة:

آن حضرت اظهار امیدواری کردند که فرزندان جانبازان از طریق خودسازی معنوی و علمی و جسمی مردانی شایسته برای ایران اسلامی باشند.

- اعرب رئیس مجلس صیانة الدستور عن اسفه لعدم تبیین مكانة الصحفی فی المجتمع.

رئیس شورای نگهبان اظهار تاسف کرد که جایگاه روزنامه نگار در جامعه مشخص و تعریف شده نیست.

- اكد رئیس الوزراء الجزائری على العلاقات الثنائیة العریقة بین البلدين معرباً عن اصله ان تواصل هذه العلاقات فی كافة المجالات.

نخست وزیر الجزایر ضمن ابراز امیدواری بر ادامه روابط دو کشور در تمامی زمینه‌ها بر روابط دوجانبه و دیرینه دو کشور تاکید کرد.

• جای کسی (یا چیزی) را گرفت.

چنانچه بخواهیم مفهوم نیابت یا جانشینی را بیان کنیم آنطور که کسی یا چیزی جای کسی یا چیزی دیگر را گرفت از چندین اسلوب در عربی استفاده می‌شود:

- حلّ ... محلّ: حلتّ الكتب و السبورات الألكترونیة محلّ الأسالیب التقلیدیة للتعلیم فی المدارس بعض الدول.

کتاب و تخته‌های الکترونیکی جای خود را به روشهای سنتی آموزش در برخی کشورها داده است.

- ناب ... مناب: تمّ اجراء الانتخابات التكمیلیة للرئاسة و ناب المرشح المعتدلیین مناب رئیس الجمهورية الحالیة.

- انتخابات دور دوم ریاست جمهوری صورت گرفت و کاندیدای میانه روها به جای رئیس جمهوری کنونی نشست.
- نزل... منزل: نزل العنف الاميركي في العراق منزل الديمقراطية الموعودة.
- خشونت آمریکایی در عراق به جای دموکراسی موعود نشست.
- قام... مقام: قام رئيس منظمة حماية البيئته مقام رئيس الوزراء المقتول في هذا البلاد.
- رئیس سازمان محیط زیست جای نخست وزیر کشته شده این کشور را گرفت.
- یکدیگر را، به یکدیگر: بعض + ضمير متصل مجروری + البعض؛ احد + ضمير متصل مجروری + الآخر
 - التضارب و عدم الثقة هما السببان الرئيسيان في بث الفرقة بينهم بحيث لا يعتمدون احدهم الآخر.
 - تضاد و بی اعتمادی دلایل اصلی تفرقه میان آنهاست طوریکه به یکدیگر اعتماد ندارند.
 - شح الانسان بعضهم البعض يؤدي الى مرارة الحياة للانسان نفسه و للآخرين.
 - بخل ورزیدن انسانها به یکدیگر منجر به تلخ شدن زندگی برای خود انسان و دیگران می شود.
 - در زمینه، در سطح: في حقل...؛ في مجال...؛ في صعيد...؛ في شأن...
 - شاهد البلاد تقدماً ملحوظاً في حقلی التقنية النووية و الصناعية خلال عامين منصرمين:
 - طی دو سال گذشته، کشور شاهد پیشرفت قابل توجهی در زمینه تکنولوژی هسته ای و صنعتی بود.
 - تباحث الوزراء سبل تعزيز العلاقات و توسيع نطاق التعاون بين البلدين في كافة المجالات خاصة في مجالس الاقتصاد و المواصلات.
 - دو وزیر، راههای توسعه روابط و توسعه همکاری میان دو کشور را در تمامی زمینه ها و ویژه زمینه های اقتصاد و ارتباطات را مورد بحث و بررسی قرار دادند.
 - بعد الثورة الاسلامية برز دور ايران في الشؤون الدولية و العلاقات الدبلوماسية.
 - پس از انقلاب اسلامی، نقش جمهوری اسلامی ایران در امور بین المللی و روابط دیپلماتیک بارزتر شد.
- 📖 نکته: «فی مجالی» و «فی حقلی» در این مثالها به دلیل مضاعف شدن بدون «نون» تشبیه هستند!
- ترکیب وصفی - اضافی در دو دستور زبان.
 - در دستور زبان فارسی ترتیبی که برای ترکیب وصفی به همراه مضاف الیه قرار داده شده، چنین است:
 - «موصوف + صفت + مضاف الیه» و چنین گفته می شود: ماشین بزرگ علی.
 - موصوف صفت م. الیه

اما در دستور زبان عربی این ترتیب چنین است: «موصوف + م. الیه + صفت»: سیارة علی الكبيرة. به چند مثال دیگر توجه کنید:

صندوق بین‌المللی پول: صندوق النقد الدولي نمایشگاه بین‌المللی کتاب: معرض الكتاب الدولي

شرکت ملی نفت: شركة النفط الوطنية جایگاه والای پدر: مكانة الأب العالية

همانطور که مشاهده می‌کنید با «ال» که به م. الیه همراه است و «ال» صفت، با دیدن چنین ترکیباتی امکان خطای ترجمه وجود دارد که م. الیه و صفت را موصوف و صفت پنداشته و چنین ترجمه کنیم:

«صندوق پول بین الملل» و یا «شرکت نفت ملی» و

گاه ممکن است م. الیه به صورت ضمیر متصل باشد:

مجتمعنا الإسلامية: جامعه اسلامی ما مساعیه المتزايدة: تلاشهای فزاینده او

بعده الفنی: بُعد هنری آن لقاءه الصحفي: مصاحبه مطبوعاتی اش

اما همیشه این ترکیب چنین نیست و گاه بوسیله «لام» جاره که به همراه مضاف الیه می‌آید صفت و موصوف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند:

الصندوق الدولي للنقد المعرض الدولي للكتاب الشركة الوطنية للنفط المكانة العالية للأب

- اعلن شركة «ایران خودرو» الوطنية أنَّ الكوادر المتخصصة لهذه الشركة تستطيع مؤخراً على انهاء مراحل تصميم و صنع السيارة الخاصة للمعاقين.

شرکت ملی ایران خودرو اعلام کرد که کادر متخصص این شرکت اخیراً توانسته اند مراحل طراحی و ساخت ماشین ویژه معلولان را به پایان برسانند.

در این مثال شیوه ذکر هر دو نوع ترکیب (بدون «لام» و همراه با «لام») را در جمله شاهد بودید.

- عقد رئيس الجمهورية الايراني بعد اداة اليمين الدستورية جلسة طارئة بحضور مئات من كبار و جهاء البلاد السياسين و الاقتصاديين في مجلس الشورى الاسلامی.

رئيس جمهور ایران پس از ادای مراسم تحلیف جلسه ای فوق العاده با حضور صدها تن از بزرگان سیاسی و اقتصادی کشور در مجلس شورای اسلامی برگزار کرد.

• ليس ... فحسب بل ... = نه تنها + جمله منفی + بلکه

به چند مثال که در همین ترکیب قرار دارند توجه کنید:

- قال رئيس القسم الثقافى للمنظمة الاعلام الاسلامی أنَّ اعجاز القرآن الكريم ناجم عن بُعد الفنى مؤكداً أنَّ هذا الكتاب السماوى هو كتاب مميز و فريد ليس من ناحية المحتوى فحسب بل من ناحية الوزن و الترتيب.

رئيس بخش فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی ضمن تأکید بر اینکه معجزه قرآن، این کتاب آسمانی از بُعد هنری آن سرچشمه می‌گیرد، آن را کتابی خاص و یکتا، نه تنها از لحاظ محتوا بلکه از نظر وزن و ترتیب نیز بی‌همتا خواندند.

- لیست الجاهلیة الاولى بأحوج الى الاصلاح الدينى من الجاهلیة لآخرى فحسب بل هذه الاحوج من تلك اليه. جاهلیت امروزی در مقابل جاهلیت نخستین نه تنها نیازمند اصلاح دینی نیست بلکه بیشتر از آن هم به اصلاح دینی نیاز دارد.

📖 نکته: در مثال اول ترتیب جمله و ارکان «موکداً» به ابتدای جمله فارسی منتقل شده و در مثال دوم «من» از نوع «من» مقابله است!

شیوه دیگری که برای بیان این اسلوب در عربی وجود دارد چنین است:

«فعل مضارع منفی + جمله + فحسب بل + جمله ...»

- أن نواب الشعب فی مجلس الشورى الاسلامی لا یحق لهم ابداء و جهات النظر بشأن جميع القضايا الداخلية و الخارجية فحسب بل أن یسعوا من أجل احقاق الناس. نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی نه تنها حق اظهار نظر در تمامی امور داخلی و خارجی را دارند بلکه باید در راه احقاق حقوق مردم نیز تلاش کنند.

• سواءً + جمله (اسمیه یا فعلیه) + أو + جمله (اسمیه یا فعلیه) = چه ... و چه ...

برای بیان تساوی دو کار، دو شرایط و ... از اسلوب بالا استفاده می شود.

- اكد نواب المجلس فی بیانهم انه لا فرق بین المجازر التی یرتكبا الامیركا و الکیان الصهيونی ضد البشر سواء كانت فی هیروشیما و ناکازاکی أو فی قانا و شتیلا.

نمایندگان مجلس در بیانیه خود تاکید کردند: جنایتهایی که آمریکا و رژیم صهیونیسم مرتکب می شوند چه در هیروشیما و ناکازاکی و چه در قانا و شتیلا تفاوتی ندارد و بر ضد بشریت است.

- جاء الاب الى المدرسة و قال للمدير: لایوثر علیه كلام احد سواء كلامی او كلام أمه.

پدر به مدرسه آمد و به مدیر چنین گفت: سخن هیچکس در او اثری ندارد چه سخن من و چه حرف مادرش.

• «ما... من...»: تمام آنچه هست

گاه یک اسم را به جای آنکه مفرد ذکر شود در ساختار فوق قرار می گیرد و گاه بهترین راه برای ترجمه آن نیز تبدیل آن به همان اسم مفرد است.

- تقول التقارير أن جيش العدو یمارس سياسة الارض المحروقة بما للكلمة من معنی:

گزارشات حاکی است که سپاه دشمن سیاست تمام معنای سرزمین سوخته را در پیش گرفته است.

- شنت قوات العدو البارحة هجمة واسعة الى الريف و رموا عشوائياً بكل ما فيه من الاطفال و الشيوخ = رموا عشوائياً الى كل الاطفال و الشيوخ فيه.

نیروهای دشمن شب گذشته حمله گسترده ای را به روستا انجام دادند و کورکورانه به تمامی کودکان و سالمندان روستا شلیک می کردند.

- أحبّ مناخ القرية و كل ما فيه من الناس و الشجرات و الحيوانات و لعبة اطفالها = أحبّ القرية و كل الناس
آب و هوای روستا و تمامی مردمان و درختان و حیوانات و بازی کودکانش را دوست می دارم.

• قید ...: در دست ...

برای گفتن اصطلاح «در دست ...» از «علی قید + م. الیه» استفاده می کنند. چند مثال در همین ساختار:

علی قید التحقيق: در دست تحقیق علی قید الانجاز: در دست اجرا

- قال المتحدث باسم مركز الاحصائية ان حوالی مائة و عشرين مشروعاً اقتصادياً علی قید الانجاز.

سخنگوی مرکز آمار گفت: نزدیک به یکصد و بیست طرح اقتصادی در دست اجراست.

- قال وزير العمل و الشؤون الاجتماعية أن مشروع بناء اكبر مصنع صهرالحديد فی منطقة الشرق الاوسط فی بلادنا علی قید التحقيق حالياً.

وزیر کار و امور اجتماعی گفت: پروژه ساخت بزرگترین کارخانه ذوب آهن در منطقه خاورمیانه در کشورمان هم اکنون در دست بررسی است.

• لم + يعود (که مجزوم و متناسب باجنس و صیغه فاعل است) + فاعل + فعل مضارع = دیگر ... فعل منفی

- لم يعد المسلمون فی العالم یخافون من اضطهاد و رعب الاستکبار العالمی.

مسلمانان جهان دیگر از ظلم و وحشت استکبار جهانی نمی ترسند.

- السؤال هنا: بعد هجمة امريکا علی عراق بذريعة وجود اسلحة الدمار الشامل فيها لم يعد يتكلم احد من اسامة بن لادن و القاعدة؛ لماذا؟

سوال اینجاست: چرا پس از حمله آمریکا به عراق به بهانه وجود سلاح کشتار جمعی در آن کشور دیگر کسی از اسامه بن لادن و القاعده حرف نزد؟

- هل يمكننا أن نقول بعد أنهيّار اتحاد السوفيتی توقف الثورة الشيوعية فی العالم و لم يعد يشاهد العالم ثورة أخرى؟

آیا می توانیم بگوییم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انقلابهای کمونیستی جهان متوقف شدند و جهان دیگر شاهد انقلابی دیگر نخواهد بود؟

• اخذ + فاعل + باء + مصدر = شروع به ... کرد، ... را شروع کرد

در فارسی آغاز کردن کار را «دست به کار شدن» و امثال آن می گویند. معادل این اصطلاح در عربی ترکیب ذکر شده در بالا می باشد.

- بعد مشاهدة صمود و تضحیه قواتنا اخذ جنود العدو و بالانسحاب من المواضع المحتلة.

سپاه دشمن با دیدن پایداری و فداکاری نیروهای ما شروع به عقب‌نشینی کرد.

- أخذ الطفل بالبكاء و الصراخ بعد أن شاهد الحقن على يدي الممرضة.

کودک پس از آنکه آمپول را در دستار دید شروع به گریه و زاری کرد.

- شاهدت المدينة العمليات الارهابية و اخذ الرعب و الفوضى بالتزايد.

شهر شاهد عملیات تروریستی بود و ترس و هرج و مرج رو به فزونی رفت.

• می‌تواند: من شانه ...؛ بامكانه ...

«توانستن» را علاوه بر کلمات و افعالی که صراحتاً بر آن دلالت می‌کند (مانند استطاعة، قادر علی و ...) می‌توان

به صورت مصدرهای فوق‌الذکر نیز در جمله بکار برد.

- هذه المسألة من شأنها ان تصبح ازمة عالمية لو لا يلجم مسؤولو البلاد عليه.

اگر مسئولان کشور نتوانند این مساله را کنترل کنند، می‌تواند به یک بحران جهانی تبدیل شود.

- الجامعيون و المجموعات الجامعية بمالديهم من الاسكانيات العلمية و الفكرية من شأنهم بناء مجتمعات ذوات

مكانة عالية في العالم.

دانشگاهیان و مجموعه‌های دانشگاهی با تواناییهای (امکانات) علمی و فکری که دارند می‌توانند جوامعی را

بسازند که در جهان دارای جایگاه بلندی باشد.

• قد + فعل مضارع = گاهی، بعضی اوقات، برخی اوقات.

همانطور که در بخش فعل و زمانهای فعل خواهیم دید «قد» به همراه «فعل ماضی» بر زمان ماضی نقلی دلالت

دارد. حال اگر «قد» با «فعل مضارع» همراه باشد به معنای شک، تردید و گاهی اوقات است.

- قد يكون رفض الطفل الطعام لا ثبات ذاته او حبه للتقليد.

گاهی غذا نخوردن کودک برای اثبات وجود یا تقلید (از بزرگترها) است.

- قد يضطر الانسان لكي يجتاز الأزمات النفسية أن يلجأ الى العزلة.

گاه انسان ناچار می‌شود برای آنکه بحران‌های روحی را پشت سر بگذارد به گوشه نشینی پناه ببرد.

• فعل مضارع منفی + بعد = هنوز + فعل مضارع منفی

- جلس الأستاذ على الكرسي و اخذ بقراءة الاسماء عندما قرأ اسم «رضا» قلت: لم يأتى بعد يا استاذ!

استاد روی صندلی نشست و شروع به خواندن اسمها کرد. هنگامیکه نام رضا را خواند گفتم: استاد! هنوز نیامده است.

- أجرى الناطق بلسان الوزارة الخارجية الإيرانية لقاء صحفياً و قال: ليس معلوماً بعدُ من يقف وراء تلك الاحداث.

سخنگوی وزرات خارجه ایران در مصاحبه ای مطبوعاتی گفت: هنوز معلوم نیست چه کسی در پشت این حوادث قرار دارد؟

- ادان اکثر البلدان الاسلامية فى العالم تدفين المثل الدينية لهذه الاسبوعية الساخرة آلا الدول القليلة التى لم ينبس احد مسو و لياتها بينت شفة بعد.

بیشتر کشورهای اسلامی جهان توهین به مقدسات دینی توسط این هفته نامه طنز را محکوم کردند جز چند کشور که هیچیک از مسوولان آن هنوز سخنی نگفته اند.

• به شمار می آید، محسوب می شود = يُعْتَبَرُ

فعل «يعتبر» که غالباً به صورت مجهول کاربرد دارد از افعال دو مجهولی است که در این صورت مفعول اول این فعل، نایب فاعل و مرفوع گشته و مفعول دوم بر منصوب و مفعولیت خود باقی می ماند. چند مثال:

- يعتبر الصاروخ الجديد نسخة متطورة لصاروخ جريته بلادنا فى الثمانيات و كللت بالنجاح.

موشک جدید نسخه پیشرفته موشکی است که کشورمان در دهه هشتاد آن را با موفقیت آزمایش کرد.

- يعتبر الفقر، الادمان و مرض نقص مناعة المكتبة من ظواهر القرن العشرين.

فقر، اعتیاد و ایدز از پدیده های قرن بیستم به شمار می آیند.

• أفاد ... = گزارش داد، طبق گزارش...

در ابتدای ستون خبری - سیاسی غالباً منبع خبر را ذکر می کنند و برای این نوع نقل قولها از تعبیر «افادت ...» استفاده می شود:

افادت وكالة الانباء ...: آژانس خبری ... گزارش داد تفيد الانباء ...: خبرها حاکی است ...

- أفادت وكالات الانباء الدولية ان مشادة ممثلى الدولتين تؤدى الى توتر العلاقات.

آژانسهای خبری بین المللی گزارش دادند که درگیری لفظی میان نمایندگان دو کشور به تیره شدن روابط منجر می شود.

- تفيد وكالة «مهر» للانباء ان مندوبى مجلس الشورى الاسلامى طالبوا من الشعب الايرانى مشاركة مظاهرات يوم القدس.

به گزارش آژانس خبری «مهر» نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار شرکت در راهپیمایی روز قدس شدند.

• استئناف، البدء من جديد: از سرگیری، شروع جدید

برای بیان آغاز دوباره کاری که برای مدتی قطع شده بود از اصطلاحات فوق استفاده می شود:

- بعد محاولات امين العام للامم المتحدة لأقرار السلام أقبلت الحكومة أستئناف مفاوضات السلام مع قوات الميليشيات.

پس از تلاشهای دبیر کل سازمان ملل به منظور برقراری صلح، دولت از سرگیری مذاکرات صلح با نیروهای چریکی را پذیرفت.